

بحثی پیرامون هدایت و ضلالت در قرآن

اشاره

آیاتی در قرآن کریم است که اشاره می‌کند خداوند هر که را بخواهد هدایت یا گمراه می‌کند. بعضی با اشاره به این آیات نتیجه می‌گیرند که هدایت یا ضلالت یک امر جبری است و انسان نقشی در آن ندارد.

مشکل این افراد در این است که اولاً آیات قرآن را کامل مطالعه نمی‌کنند. زیرا در این آیات نشانه‌هایی وجود دارد که این شبهه را برطرف می‌کند و دوم این که آیات قرآن را باید در کنار هم بررسی کرد، زیرا قرآن کتاب هدایت است و خداوند مطالب را در کنار هم تبیین فرموده است.

به همین دلیل این آیات را مطرح کرده و با استفاده از تفاسیر توضیح کوتاهی پیرامون آن آورده‌ایم.

سرچشمه هدایت و ضلالت

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ - خداوند از این که (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان و اما آن‌ها که راه کفر را پیموده‌اند، (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد!» (بقره/۲۶)

ظاهر تعبیر آیه فوق، ممکن است این توهم را به وجود آورد که هدایت و گمراهی جنبه اجباری دارد و تنها منوط به خواست خداست، در حالی که آخرین جمله این آیه حقیقت را آشکار کرده و سرچشمه هدایت و ضلالت را اعمال خود انسان می‌شمارد. توضیح این که: همیشه اعمال و کردار انسان، نتایج و ثمرات و بازتاب خاصی دارد، از

جمله این که اگر عمل نیک باشد، نتیجه آن، روشن بینی و توفیق و هدایت بیشتر به سوی خدا و انجام اعمال بهتر است.

شاهد این سخن آیه ۲۹ سوره انفال است که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا - اگر پرهیزگاری پیشه کنید خداوند حس تشخیص حق از باطل را در شما زنده می کند و به شما روشن بینی عطا می فرماید».

و اگر دنبال زشتی ها برود، تاریکی و تیرگی قلبش افزون می گردد، و به سوی گناه بیشتری سوق داده می شود و گاه تا سر حد انکار خداوند می رسند، شاهد این گفته، آیه ۱۰ سوره روم می باشد که می فرماید:

«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ - عاقبت افرادی که اعمال بد انجام می دهند به این جا منتهی شد که آیات خدا را تکذیب کردند و مورد استهزاء قرار دادند».

و در آیه دیگر می خوانیم: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ - هنگامی که از حق برگشتند خداوند دل های آن ها را برگردانید».(صف/۵)

در آیه مورد بحث نیز شاهد این گفته آمده است آن جا که می فرماید: «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ - خداوند گمراه نمی کند جز افراد فاسق و بد کردار را».

بنابراین انتخاب راه خوب یا بد از اول در اختیار خود ماست، این حقیقت را وجدان هر انسانی قبول دارد، سپس باید در انتظار نتیجه های قهری آن باشیم.

کوتاه سخن این که: هدایت و ضلالت در قرآن به معنی اجبار بر انتخاب راه درست یا غلط نیست، بلکه به شهادت آیات متعددی از خود قرآن "هدایت" به معنی فراهم آوردن وسائل سعادت و "اضلال" به معنی از بین بردن زمینه های مساعد است، بدون این که جنبه اجباری به خود بگیرد.

و این فراهم ساختن اسباب (که نام آن را توفیق می گذاریم) یا بر هم زدن اسباب (که نام آن را سلب توفیق می گذاریم) نتیجه اعمال خود انسان ها است که این امور را در پی دارد، پس اگر خدا به کسانی توفیق هدایت می دهد و یا از کسانی توفیق را سلب می کند نتیجه مستقیم اعمال خود آن ها است.

این حقیقت را در ضمن یک مثال ساده می‌توان مشخص ساخت هنگامی که انسان از کنار یک پرتگاه یا یک رودخانه خطرناک می‌گذرد هر چه خود را به آن نزدیک‌تر سازد جای پای او لغزنده‌تر و احتمال سقوطش بیشتر و احتمال نجات کمتر می‌شود و هر قدر خود را از آن دور می‌سازد جای پای او محکم‌تر و مطمئن‌تر می‌گردد و احتمال سقوطش کمتر می‌شود، این یکی هدایت و آن دیگری ضلالت نام دارد.

از مجموع این سخن پاسخ گفته کسانی که به آیات هدایت و ضلالت خرده گرفته‌اند به خوبی روشن می‌شود.

تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵۱

ضلالت و کوری، مجازات زشت کاری

آیه (۲۶ بقره) شهادت می‌دهد بر این که یک مرحله از ضلالت و کوری دنبال کارهای زشت انسان به‌عنوان مجازات در انسان گنه کار پیدا می‌شود، و این غیر آن ضلالت و کوری اولی است که گنه‌کار را بگناه وا داشت، چون در آیه مورد بحث می‌فرماید: «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ، خدا با این مثل گمراه نمی‌کند مگر فاسقان را) اضلال را اثر و دنباله فسق معرفی کرده، نه جلوتر از فسق، معلوم می‌شود این مرحله از ضلالت غیر از آن مرحله‌ایست که قبل از فسق بوده، و فاسق را به فسق کشانیده (دقت بفرمائید)».

ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۱۴۱

مگر می‌شود خداوند مردم را گمراه کند؟

راستی مگر می‌شود خداوند مردم را به ایمان تکلیف کند، ولی خودش آنان را گمراه کند؟! و مگر می‌شود این همه پیامبر و کتب آسمانی نازل کند، ولی خودش مردم را گمراه کند؟! مگر می‌شود از ابلیس به خاطر گمراه کردن انتقاد کند، ولی خودش دیگران را گمراه نماید؟

گرچه در این آیه، هدایت و گمراهی به‌طور کلی به خداوند نسبت داده شده است،

ولی آیات دیگر، مسئله را باز نموده و می‌فرماید:

«يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ - خداوند کسانی را هدایت می‌کند که به سوی او بروند» (رعد/۲۷)

و «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ - خداوند کسانی را هدایت می‌کند که به دنبال کسب رضای او باشند» (مائده/۱۶)

و «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا - آنان که در راه او جهاد کنند» (عنکبوت/۶۹) و بر عکس، کسانی که با اختیار خود در راه کج حرکت کنند، خداوند آنان را به حال خود رها می‌کند. مراد از گمراه کردن خدا نیز همین معناست. چنان که درباره کافران، ظالمان، فاسقان و مسرفان جمله «لَا يَهْدِي» به کار رفته است.

تفسیر نور، ج ۱، ص: ۷۹

هدایت می‌کند هر که را که به سوی او بازگشت نماید

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ - کسانی که کافر شدند می‌گویند: "چرا آیه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!"; بگو: "خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند!" (کمبودی در معجزه‌ها نیست لجاجت آن‌ها مانع است!)» (رعد/۲۷)

خداوند در پاسخ‌شان به پیغمبر خود دستور می‌دهد که به ایشان بگوید:

"إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ"، و می‌فهماند که مساله هدایت مربوط و مستند به آیه نیست تا اگر نازل شود هدایت شوند، و اگر نازل نشود گمراه گردند، بلکه مساله هدایت و ضلالت مستند به خدای سبحان است، اوست که هر که را بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می‌کند.

و چون زمینه طوری بود که ممکن بود از این جواب توهم کنند که مساله هدایت و ضلالت دائر مدار مشیتی گزاف و نامنظم است، لذا برای این که چنین توهمی پیش نیاید فرمود:

«یهدی الیه من یشاء» - هدایت می‌کند به‌سوی خود کسی را که بخواهد» بلکه فرمود: «يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ» - هدایت می‌کند به‌سوی خود هر که را که به‌سوی او بازگشت نماید». و روشن ساخت که استناد قضیه به مشیت پروردگار خود بر اساس سنتی است که دائماً جریان داشته، و بر طبق نظام متقنی است که هرگز خلل نمی‌پذیرد. آری، خدای تعالی هدایت کسی را می‌خواهد که خود او به‌سوی خدا بازگشت بکند، و مشیتش بر ضلالت کسی تعلق می‌گیرد که از خدای روی‌گردان باشد و به‌سوی او بازگشت نکند.

پس کسی که متصف به صفت انابه و رجوع به‌حق باشد و افکار و عقایدش مغلول به غل‌های اهواء نباشد، خداوند او را با این دعوت حقه (قرآن) هدایت می‌فرماید، و کسی که افکار و عقایدش آزاد از قید اهواء نباشد گمراه می‌شود هر چند آیات مستقیم و روشن باشد، و از آیات منتفع نمی‌گردد هر چند که معجزه هم باشد، آری: «وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» - این آیات و اندازها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورند مفید نخواهد بود». (یونس/ ۱۰۱)

از همین جا به‌دست می‌آید که جمله‌ی «إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ» در تقدیر «ان الله يضل بمشيته من لم ينب اليه و يهدى اليه بمشيته من اناب اليه» است، یعنی خداوند به مشیتش گمراه می‌کند کسی را که به‌سوی او رجوع نکند، و به مشیتش هدایت می‌کند کسی را که به‌سوی او بازگشت نماید.

ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص: ۴۸۲

هدایت الهی دوگونه است: ابتدایی و تکمیلی

هدایت ابتدایی در رابطه با همه مردم است، «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (انسان / ۳) اما هدایت تکمیلی نسبت به کسانی است که هدایت عمومی اول را پذیرفته باشند. مثل معلمی که در روزهای اول درس، مطالب خود را یکساز و یک‌نواخت به همه‌ی شاگردان عرضه می‌کند، اما بعد از مدتی برای محصلین کوشا، جدی و پرکار خود، لطف بیشتری مبذول می‌دارد. «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» (محمد/ ۱۷)

اما به راستی برای افرادی که قرآن درباره‌ی آنها می‌فرماید:

«وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ - هیچ آیه‌ای از آیات الهی

برایشان نازل نشد، مگر آن‌که از آن اعراض کردند». (انعام/۴)

«وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

- اگر ما کتاب را از آسمان در کاغذی فرو فرستیم و آن‌ها با دست خودشان آن را لمس

کنند، باز هم می‌گویند سحر است». (انعام/۷)

«وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا - اگر هر معجزه‌ای ببینند، ایمان نخواهند

آورد». (انعام/۲۵)

آیا جز برداشتن دست عنایت و زدن مهر ضلالت بر دل‌هایشان، چاره‌ای

دیگر می‌باشد؟!

هدایت و ضلالت ضابطه‌مند است

در هر حال، خداوند، حکیم و عادل است و تمام کارها و خواست او از: «يَهْدِي مَنْ

يَشَاءُ»^(۱)، «نُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ»^(۲)، «يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ»^(۳)، «فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ»^(۴)، «يُعَذِّبُ مَنْ

يَشَاءُ»^(۵)، «يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ»^(۶) همه بر اساس عدل و حکمت و لطف و عنایت تفسیر

می‌گردد.

یعنی اگر فرمود: «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»، چنین نیست که بدون هیچ ضابطه و معیاری،

هدایت را برای کسی خواسته باشد، بلکه چنانچه از آیات دیگر برمی‌آید، یک‌جا ایمان را

شرط هدایت می‌شمارد و می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» (تغابن/۱۱۹) و در جای

۱. البقره/۱۴۲/۲۱۳/۲۷۲ یونس/۲۵ ابراهیم/۴ النحل/۹۳ النور/۴۶ القصص/۵۶ فاطر/۸ المدثر/۳۱

۲. الرعد/۲۷ النحل/۹۳ فاطر/۸

۳. البقره/۲۱۲ آل عمران/۳۷ النور/۳۸ الشوری/۱۹

۴. البقره/۲۷۴

۵. البقره/۲۸۴ آل عمران/۱۲۹ المائده/۱۸ المائده/۴۰ العنکبوت/۲۱ الفتح/۱۴

۶. آل عمران/۴۷ المائده/۱۷ القصص/۶۸ الروم/۵۴ الزمر/۴ الشوری/۴۹

دیگر، کسب رضایت و خشنودی حق را با پیمودن راه سلامت زمینه هدایت معرفی می فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده/۱۶) و یا اگر فرمود: «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ»، در آیه دیگر، اسراف و تردید و شک را عامل این اضلال می داند. «يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ» (غافر/۳۴)

به هر صورت اگر دهانه ظرفی به طرف آسمان باشد، باران در او وارد می شود، اما اگر به طرف زمین قرار بگیرد، از نزولات آسمانی بهره ای نخواهد برد و این چنین است انسانی که دهانه روحش به جانب مادیات باشد، بدیهی است که از باران معنویت الهی بی نصیب خواهد بود.

«اسْتَحْبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ — آن (قهر الهی) به خاطر آن است که آنان زندگی دنیا را بر آخرت برگزیدند، و قطعاً خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند.» (نحل/۱۰۷)

تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۷

مشیت الهی سلب مسئولیت نمی کند

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ - و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد (و همه را به اجبار وادار به ایمان می کرد اما ایمان اجباری فایده ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می دادید، بازپرسی خواهید شد!» (نحل/۹۳)

"اگر خدا می خواست همه شما را امت واحدی قرار می داد" (وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً).

"امت واحده" از نظر ایمان و قبول حق، اما در شکل اجباریش، ولی بدیهی است این پذیرش حق نه گامی به سوی تکامل است نه دلیلی بر افتخار پذیرنده آن، لذا سنت خدا این است که همگان را آزاد بگذارد، تا با اختیار خود، راه حق را بیابند.

ولی این آزادی به آن معنی نیست که از ناحیه خدا، هیچ‌گونه کمکی به پویندگان این راه نمی‌شود، بلکه آن‌ها که قدم در راه حق می‌گذارند و مجاهده می‌کنند، توفیق خداوند شامل حالشان می‌شود، و در پرتو هدایت او به سر منزل مقصود می‌رسند، و آن‌ها که در راه باطل گام می‌گذارند از این موهبت محروم می‌گردند و بر گمراهیشان افزوده می‌شود.

لذا بلافاصله می‌گوید " لکن خدا هر کس را بخواهد گمراه می‌کند و هر کس را بخواهد هدایت " (وَ لَکِنْ یُضِلُّ مَنْ یَشَاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ).

اما این هدایت و اضلال الهی هرگز سلب مسئولیت از شما نمی‌کند، زیرا گام‌های نخستین آن از خود شما است، به همین دلیل اضافه می‌کند " شما به‌طور قطع در برابر اعمالی که انجام می‌دادید مسئولید، و از شما بازپرسی می‌شود " (وَ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ).

این تعبیر که از یک سو انجام اعمال را به خود انسانها نسبت می‌دهد، و از سوی دیگر تاکید بر مسئولیت آن‌ها در برابر اعمالشان می‌کند، از قرائن روشنی است که مفهوم هدایت و اضلال الهی را در جمله قبل، تفسیر می‌نماید، که این هدایت و اضلال، هرگز جنبه اجباری ندارد.

تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۰

اضلال مجازات عدم خضوع برابر حق

«أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِی مَنْ یَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا یَصْنَعُونَ - آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می‌یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند پس جانت به خاطر شدت تأسف بر آنان از دست نرود خداوند به آن‌چه انجام می‌دهند داناست!» (فاطر/۸)

کافری که وضعش چنین است، و مؤمنی که بر خلاف اوست، مساوی نیستند، برای

این که خدا یکی از آن دو را به مشیت خود گمراه کرده، و آن کافر است، که به خاطر همین گمراهی، بد را خوب می‌بیند، و دیگری را به مشیت خود هدایت فرموده و آن مؤمن است که عمل صالح را دوست می‌دارد و انجام می‌دهد، و عمل زشت را زشت می‌داند.

البته باید دانست که این گمراه کردن خدا، ابتدایی نیست (برای این که به حکم آیات بسیاری از قرآن، خداوند موجودات را عموماً و انسان را به خصوص به سوی کمالش هدایت فرموده)، بلکه این اضلال مجازاتی است، که وقتی کسی در برابر حق خضوع نکند، و لجاجتی و مقاومت نماید، خدا او را گمراه‌تر می‌سازد، و نسبت دادن چنین اضلالی به خدا هیچ مانعی ندارد.

و کوتاه سخن این که: اختلاف کافر و مؤمن از نظر عاقبتشان به حسب وعده الهی که اولی را به عذاب و دومی را به رحمت وعده داده به خاطر اختلافی است که آن دو از نظر اضلال و هدایت الهی دارند، و نشانه این اختلاف آن است که طرز دید آن دو مختلف است، یکی زشت را زیبا می‌بیند و دیگری زشت را زشت، و زیبا را زیبا می‌بیند. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۲۲

لجاجت یا تسلیم رمز هدایت یا ضلالت

«وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ — مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آن‌ها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: "خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!"" (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را

جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسان‌ها نیست!» (مدثر/۳۱)
به دنبال گفتگوهایی که در باره چگونگی بهره‌گیری مؤمنان و کافران بیمار دل از سخنان الهی بود می‌افزاید:

" اینگونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند."

(كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ).

جمله‌های گذشته به خوبی نشان می‌دهد که این مشیت و اراده الهی درباره هدایت بعضی، و گمراهی بعضی دیگر، بی حساب نیست، آن‌ها که معاند و لجوج و بیمار دلند استحقاقی جز این ندارند، و آن‌ها که در برابر فرمان خدا تسلیم و مؤمنند مستحق چنین هدایت هستند.

تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۴۲

آزمایش

وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَ إِيَّاي أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَ لِيْنَا فَاعْفُ رْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْعَافِرِينَ - موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین‌لرزه آن‌ها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آن‌ها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آن‌چه سفیهانمان انجام داده‌اند، (مجازات و) هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی)، به‌وسیله آن گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می‌کنی! تو ولیّ مایی، و ما را بیمارز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان!» (اعراف/۱۵۵)

...با جمله " تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ " تاکید نموده و خلاصه چنین رسانید که هلاک کردن همراهان من یکی از موارد امتحان عمومی تو است که بندگان خود را با آن می‌آزمایی تا هر که گمراه شدنی است گمراه شده و هر که هدایت شدنی است

هدایت شود، و از سنت تو نیست که هر که در اثر امتحان تو گمراه شد هلاکش سازی.
ترجمه المیزان، ج ۸، ص ۳۵۴

هدایت و اضلال دو کلمه جامع هستند

این را نیز باید دانست که هدایت و اضلال دو کلمه جامع هستند که تمامی انواع کرامت و خذلانی که از سوی خدا بسوی بندگان سعید و شقی می رسد شامل می شود، آری خدا در قرآن کریم بیان کرده که برای بندگان نیکبخت خود کرامت‌هایی دارد، و در کلام مجیدش آن‌ها را بر شمرده می فرماید:

«ایشان را به حیاتی طیب زنده می کند - فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷)

و «ایشان را به روح ایمان تایید می کند - كَتَبَ فِي قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَ اَيَّدَهُمْ بِرُوْحٍ مِّنْهُ» (مجادله/۲۲)

و «از ظلمت‌ها به سوی نور بیرونشان می آورد - يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ» (بقره/۲۵۷ - مائده/۱۶)

و «برای آنان نوری درست می کند که با آن نور راه زندگی را طی می کنند - يَجْعَلْ لَّكُمْ نُورًا تَمْشُوْنَ بِهٖ» (حدید/۲۸)

و «او ولی و سرپرست ایشان است - هُوَ وَلِيُّهُمْ» (انعام/۱۲۷)

و «او ولی و سرپرست ایشان است - اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ» (بقره/۲۵۷) «اللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ» (ال عمران/۶۸) «اللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ» (جاثیه/۱۹)

و «ایشان نه خوفی دارند، و نه دچار اندوه می گردند - لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ» (بقره/۶۲/۱۱۲/۲۶۲/۲۷۴/۲۷۷ و یونس/۶۲)

و «اگر او را بخوانند دعایشان را مستجاب می کند - وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ» (شورا/۲۶)

و «چون به یاد او بیفتند او نیز به یاد ایشان خواهد بود»

و «فرشتگان همواره به بشارت و سلام بر آنان نازل می شوند - تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَحٰفُوْا وَ لَا تَحْزَنُوْا وَ اَبْشُرُوْا» (فصلت/۳۰)

و از این قبیل کرامت‌هایی دیگر.

و برای بندگان شقی و بدبخت خود نیز خذلان‌ها دارد، که در قرآن عزیزش آن‌ها را برشمرده، می‌فرماید:

«ایشان را گمراه می‌کند - يُضِلُّهُمْ» (نساء/۶۰)

و «از نور به‌سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برد - يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره/۲۵۷)

و «بر دل‌هاشان مهر می‌زند - حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره/۷)

و «بر گوش و چشمشان پرده می‌افکند - عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ» (بقره/۷)

و «رویشان را به عقب بر می‌گرداند - نَطَمَسَ وُجُوهًا فَنَرَدُّهَا عَلَى آذَانِهَا» (نساء/۴۷)

و «بر گردن‌هاشان غل‌ها می‌افکند - جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا» (یس/۸)

و «غل‌هایشان را طوری به‌گردن می‌اندازد که دیگر نمی‌توانند رو بدین سو و آن سو

کنند - فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ» (یس/۸)

و «از پیش رو و از پشت سرشان سدی و راه‌بندی می‌گذارد، تا راه پس و پیش

نداشته باشند - جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا

يُبْصِرُونَ» (یس/۹)

و «شیطان‌ها را قرین و دمساز آنان می‌کند - وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ

شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف/۳۶)

و «تا گمراهشان کنند، به‌طوری که از گمراهیشان خرسند باشند، و ببیندارند که راه

همان است که ایشان دارند - إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

مُهْتَدُونَ» (زخرف/۳۷)

و «شیطان‌ها کارهای زشت و بی‌ثمر آنان را در نظرشان زینت می‌دهند - زَيْنَ لَهُمْ

الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ» (أنعام/۴۳ - أنفال/۴۸ - نمل/۲۴ - عنكبوت/۳۸)

و «شیطان‌ها سرپرست ایشان می‌گردند - فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ

وَلِيُّهُمْ» (نحل/۶۳)

و «خداوند ایشان را از طریقی که خودشان هم نفهمند استدرج می‌کند، یعنی سر

گرم لذت‌های زینت‌های ظاهری دنیاشان می‌سازد، تا از اصلاح خود غافل بمانند - وَ
سَسْتَدْرِيهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (أعراف/ ۱۸۲ - قلم/ ۴۴)

و «به‌همین منظور ایشان را مهلت می‌دهد که کید خدا بس متین است - أُمَلِي لَهُمْ
إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ» (أعراف/ ۱۸۳ - قلم/ ۴۵)

و «با ایشان نیرنگ می‌کند - يَمْكُرُ اللَّهُ» (انفال/ ۳۰)

و «آنان را به ادامه طغیان وا می‌دارد، تا به کلی سرگردان شوند - يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ» (بقره/ ۱۵)

این‌ها پاره‌ای از اوصافی بود که خدا در قرآن کریمش از آن دو طائفه نام برده است،
و از ظاهر آن بر می‌آید که انسان در ماورای زندگی این دنیا حیات دیگری قرین
سعادت و یا شقاوت دارد، که آن زندگی نیز اصولی و شاخه‌هایی دارد، که وسیله زندگی
اویند، و انسان به‌زودی یعنی هنگامی که همه سبب‌ها از کار افتاد، و حجاب برداشته
شد، مشرف به آن زندگی می‌شود، و بدان آگاه می‌گردد.

ترجمه المیزان ج ۱ ص ۱۴۱